

دکتر غروی، مرحوم مطهری و آزادی بیان

منبع: سایت جرس، روز دوشنبه، مورخ: ۹۲/۹/۴

بهار سال ۸۹ شمسی برای ایراد سخنرانی و دیدار با برخی از دوستان، عازم اصفهان شدم. در این سفر توفیق داشتم چند نوبت با سید علی اصغر غروی دیدار کنم و با هم درباره مسائل قرآنی، الاهیاتی و فلسفی به تفصیل گفت‌وگو کنیم. از دوستان شنیدم که دکتر غروی از طریق کشاورزی ارتزاق و امرار معاش می‌کند؛ چرا که به سبب عضویت و فعالیت سیاسی در «نهیض آزادی ایران»، متأسفانه سال‌های متمادی از کار رسمی دانشگاهی محروم بوده؛ در عین حال، در این سال‌ها با برگزاری جلسات تفسیر قرآن منظم در اصفهان، شاگردان متعددی تربیت کرده است. در همان سفر، به اتفاق دوستی به منزل ایشان رفتیم، تا آن زمان نمی‌دانستم دکتر غروی به دکتر مطهری چمران نزدیک بوده است؛ ایشان از خاطرات خود با چمران برایم گفت، از آنجا که من نیز به شخصیت چمران علاقه زیادی دارم و آثارش را به دقت خوانده‌ام، با اشتیاق تمام به خاطراتی که نقل می‌شد، گوش دل سپردم.

به رغم اختلاف نظر، از مصاحبت و مباحثه با ایشان لذت و بهره‌وفی بردم و آموختم. سلامت نفس و حریت و شجاعت و صراحت ایشان در ابراز عقاید مثال‌زدنی است. یادم هست ایشان با اشاره به حکم «قطع ید سارق» و برخی دیگر از احکام فقهی چنین استدلال می‌کردند که می‌توان واژگان «قطع» و «ید» را در معانی دیگری فهمید و به رغم رأی جمهور مفسران قرآن و فقها، «بریدن دست دزد» را از متن مقدس استنباط نکرد. بنا بر رأی ایشان، بر همین سیاق می‌توان دیگر احکام فقهی که غیرموجه می‌نمایند و با «شهودهای اخلاقی عرفی»^۱ ما منافات دارند، فرو نهاد. به ایشان گفتم در این صورت باید به لحاظ هرمنوتیکی و تفسیری و معناشناختی توضیح داده شود که چرا تا کنون و به نحو اغلبی، متن مقدس (قرآن) و روایات این گونه فهمیده شده و واژگان «قطع» و «ید» در معنای عرفی «بریدن» و «دست» به کار رفته‌اند. همچنین افزودم، برای سازگار کردن اسلام با حقوق بشر، چنانکه در می‌یابم، باید معنای متعارف از متن را مد نظر قرار داد، در عین حال به مدد روش «اجتهاد در اصول» — که بسی فراتر از «اجتهاد در فروع» است — احکام عبادی را از احکام اجتماعی بازساخت و تفکیک کرد؛ احکام اجتماعی را در ترازوی اخلاق توزین کرد و ذیل چتر عدالت زمانه برد و معنا کرد و با حفظ روح حاکم بر آنها، عنداللزوم به «ترجمه فرهنگی» آنها همت گمارد. در مجموع، قرابت زیادی میان مشی الاهیاتی و تفسیری ایشان با نگرش عبدالعلی بازرگان، قرآن‌پژوه معاصر به چشم می‌خورد. با همه ارادتی که به این دو بزرگوار دارم، تصور می‌کنم موضع ایشان به لحاظ روش شناختی، خالی از خلل نیست.^۲

سال گذشته جناب غروی از سر لطف نقدهایی بر مقالات من دربارهٔ مسئله «حجاب» منتشر کردند؛^۳ من نیز مقالهٔ «مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن» را در پاسخ به انتقادات ایشان نوشتم.^۴ هنگامی که دو هفته پیش خبر بازداشت دکتر غروی به سبب نگارش مقاله‌ای در روزنامهٔ «بهار» منتشر شد، تأسف بسیار خوردم. اخیراً نیز با خواندن مصاحبهٔ همسر گرامی ایشان، اندوهم دوچندان شد.^۵ به خاطر آوردم که بنا بر روایت مرحوم مطهری، روزگاری قرار بود در دانشکدهٔ الهیات این مملکت، اساتید مارکسیست، مارکسیسم تدریس کنند:

من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها، خبر و اثر نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصلیشان را عرضه کنند... من به همه این دوستان غیرمسلمان اعلام می‌کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است. شما هر جور که می‌خواهید بیندیشید، بیندیشید. هر جور می‌خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید — به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد — ابراز کنید، هر طور که می‌خواهید بنویسید، بنویسید؛ هیچ‌کس ممانعتی نخواهد کرد... یگانه دانشکده‌ای که صلاحیت دارد یک کرسی را اختصاص بدهد به مارکسیسم، همین دانشکده الهیات است؛ ولی نه اینکه مارکسیسم را یک استاد مسلمان تدریس کند؛ بلکه استادی که واقعاً مارکسیسم را شناخته باشد و به آن مومن باشد، و مخصوصاً به خدا اعتقاد نداشته باشد... بعد ما هم می‌آییم و حرف‌هایمان را می‌زنیم، منطق خودمان را می‌گوییم. هیچ‌کس هم مجبور نیست منطق ما را بپذیرد.^۶

اکنون، نه تنها آن وعده محقق نشده و در دانشکدهٔ الهیات، هیچ مارکسیستِ خداناباوری به تدریس مارکسیسم اشتغال ندارد، بلکه حق آزادی بیانِ قرآن‌پژوه شیعی مذهبی که در خانواده‌ای مسلمان بالیده و با تنی رنجور و با صدای بلند، مسلمانی و ارادت خود به خاندان پیامبر را ابراز کرده، آشکارا نقض شده؛^۷ به سبب انتشار قرائت خود از حادثهٔ غدیر خم به زندان افتاده است. اسباب تأسف است که از کجا به کجا رسیده‌ایم. آزادی زود هنگامِ دکتر غروی و دیگر زندانیان سیاسی عزیز را از خداوند به دعا خواستارم:

این چنین قفل گران را ای ودود
که تواند جز که فضل تو گشود

چون دعایمان امر کردی ای عجاب
این دعای خویش را کن مستجاب

۲. بسط این مطلب، مجال دیگری می‌طلبد. در عین حال برخی از نقدهای خود به این نحوه از قرائت کردن قرآن را در مقاله « مسئله حجاب و فهم روشمند از قرآن» طرح کرده‌ام.

۳. نگاه کنید به مقالات «حجاب: اجبار یا اختیار» و «حجاب: محکم یا متشابه» در لینک های زیر:

<http://www.rahesabz.net/story/65990/>

<http://www.rahesabz.net/story/69447/>

۴. نگاه کنید به:

<http://www.rahesabz.net/story/67548/>

۵. نگاه کنید به مصاحبه همسر دکتر غروی تحت عنوان «همگی باید نسبت به این پرونده حساس باشیم» در لینک زیر:

<http://www.rahesabz.net/story/78189/>

۶. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، صفحات ۱۱-۱۳.

۷. نگاه کنید به: علی اصغر غروی، «نه انکار امامت، نه انکار ولایت!» در لینک زیر:

<http://www.rahesabz.net/story/77419/>